

ابتلاء و آثار آن در آموزه های اسلام^۱

چکیده

از آن جا که برای همه جهانیان و اسلام شناسان این امر ثابت شده که هر موضوعی که در جهان هستی از ریزترین جزء تا بزرگترین آن ها بدون حکمت نیست. از منظر قرآن و دین اسلام دور نمانده است. لذا راجع به امتحان ها بلاهایی هم که وجود داشت، متوجه شدند که این امر از نظر اسلام بسیار حائز اهمیت بوده و خداوند برای بلاها فلسفه و آثاری قرار داده و برای همه بشریت این حالت وجود دارد. اما به حسب شأن و مقام و جایگاه برای هر فرد متغیر بوده و حتی آثار هم برای هر امتحانی و فردی مختص به خودش بوده. می توان به این گونه بیان کرد بلاها یا نتیج اعمال بشر هستند یا از سنت الهی که ابتلاء و امتحان بشر بوده و اگر بلایی از روی امتحان وارد شد از چند راه است یا بلای نیکوست مثل پیروزی و قدرت که با آن فرد امتحان می شود و نتیجه امتحانش آخرت وی را می سازد یا بلای سیئی که منظور مرگ فرزند یا فقر و سختی ها و مشکلات پیش رو می تواند باشد یا بلای طبیعی که بر اثر حوادث طبیعی جهان رخ می دهد که به خودی خود شر نیستند اما نسبت به وجود زندگی فرد شر می شوند مثل زلزله. حال و بلایا و امتحاناتی که رخ داده اند آثاری را بر فرد دارند یا برای توزیع درجه و مقام فرد هستند یا برای هشدار و ادب کردن وی یا جداسازی خالصی از ناخالصی افراد یا غربال کردن می باشد.

کلید واژه: ابتلاء، امتحان، سنت، آگاهی.

^۱ - فرشته، شجاعی، طلبه پایه پنجم، مدرسه علمیه معصومیه ی

ابتلاء و امتحان یکی از سنت های خداوند است که تغییر پذیر است و دائمی به همین دلیل هیچ گاه بشریت از امتحان و آزمایش دور نیست و به وسیله هر چیزی که با آن سر و کار دارد. حال این امتحان نیکو باشد خواه نعمت و سیئه و بدی. این امتحانات برای همه اشخاص یکسان نیست برای هر فرد بسته به شرایطش متفاوت است. امتحان و آزمایش از ابتدای آفرینش با آفرینش حضرت آدم (ع) و خانواده وی بین افراد و اعضاء وجود داشته و فرقی ندارد که برای چه کسی باشد. منظور این است که حتی امامان معصوم (ع) هم ابتلاء و آزمایش را داشته اند، قطعاً برای آنان ترفیع مقام و درجه بوده در هر حال از ابتدای بشریت تا الان ابتلاء برای همه جهانیان وجود داشته است. هم از تفکر و برداشت فرد از بلایا مهم است، که گاهی با خوشی و عبادت و دادن نعمت همراه است. مثل دادن ثروت و مقام و شهرت و پیروزی و آگاهی با از دست دادن نعمتی و وارد شدن سختی و رنج مثل فقر و بیماری. بسته به امتحانی که برای فرد در نظر گرفته شده و جایگاه وی نیز تغییر می کند یا به واسطه امتحانش مقام و درجه اش افزون شده یا تنبیه شده یا فقط تذکری برایش بوده یا استقامت و صبوری سنجیده می شود.

۱- مفهوم شناسی

ابتلاء اسم مصدر در عربی به معنای در بلا افتادن دچار شدن به بیماری، گرفتاری، رنج، سختی. (عمید، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲۰) (ابن فارس، هارون عبدالسلام، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۶۷)

واژه در لغت به معنای امتحان و آزمایش. بلا عام است هم در نعمت به کار می رود هم نعمت. معنای بسیار دارد از جمله فتنه و افتنان که از معروف ترین معنای امتحان است. به معنای قرار دادن طلا در کوره آتش است تا گداخته شود و مسزان خلوص و عیار آن مشخص گردد. (راغب اصفهانی، ج ۱، ۱۳۶۳، ص ۲۴۶) (طبرسی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۵)

واژه ابتلاء در اصطلاح به معنای آزمایش ها و امتحان می باشد که خداوند به وسیله بلایا قلوب مومنان را خالص می سازد و آنان را از حالت شک و تردید بیرون می آورد. (حسینی دشتی، ج ۴، ۱۳۸۵، ص ۵۱۸)

انسان بیمار مبتلا به بیماری است، انسان سالم نیز مبتلا به سلامت است و درعالم چیزی نیست که بلا و بلوی نباشد. (جوادی عاملی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۳۶۰)

۲- فلسفه ابتلاء و آزمایش الهی

نفوس انسان ها در ابتدای ظهور و تعلق بدن ها بالقوه شامل تمام علوم و کمالات است و به مرور زمان ادراکات ضعیف بر او ایجاد می شود مانند حواس ظاهری سپس ادراکات باطنی در او ایجاد می گردد و اگر تحت تاثیراتی قرار نگیرند میل به زشتی در آن ایجاد می گردد تا جایی که به حیوانی درنده و شیطانی غریب تبدیل خواهد شد. برای جلوگیری از این کار خداوند متعال دو مربی (عقل، پیامبران) را برای تربیت آن ها قرار داده و این دو مربی بدون کمک به یکدیگر نمی توانند موثر واقع شوند. این دو نعمت بزرگ را خداوند متعال اسباب تمیز انسان ها از یکدیگر و اسباب امتحان آن ها از هم قرار داده است.

۲-۱- سنت بلاء و امتحان

بر اساس آموزه های قرآنی یکی از سنت الهی ابتلاء و امتحان است که خداوند انسان ها را در طول زندگی به انواع و اقسام مصیبت ها گرفتار می کند این امتحان و ابتلاء برای انسان ها از سنت های الهی همیشگی دائمی و تغییر پذیر هستند اما برای همه سطح و میزان ابتلاء متفاوت و اقسام آن متنوع است.

اگر فلسفه ابتلاء نبود شاید آنان رابه حال خودشان رها می کردند تا در اوج سعادت و آسایش و آرامش دنیوی زندگی کنند و همه چیز برای آنان فراهم می شد. چنان که خداوند می فرماید: «اگر تمکن کفار از مواهب مادی سبب نمی شد که همه مردم امت واحد (و گمراه) شوند ما برای کسانی که به خداوند کافر می شدند خانه هایی مانند برج های امروزی قرار می دادیم با سقف هایی از نقره و نردبان هایی که از آن بالا روند». (زخرف، آیه ۳۸)

۲-۲- سنت کیفر اعمال

بر اساس سنت کیفر اعمال هر انسان پاداش و مجازات اعمال بد و خوب خود را می بیند البته به دلیل محدودیت های دنیوی پاداش اعمال در دنیا به صورت محدود انجام می گیرد و پاداش کامل خوب و بد در آخرت داده خواهد شد از این رو برخی مصیبت هایی که انسان به آن گرفتار می شود مصیبت های پاداشی است. طبق آیه قرآن کریم که می فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» هر گونه مصیبتی به شما برسد سبب دستاورد خود شما است و خدا از بسیاری در می گذرد». (شوری، آیه ۳۰)

یعنی با آن که خداوند بسیاری از اعمال ما را نادیده گرفته و از آن گذشت و عفو کرده با این همه باز هم مصیبت و بلاء بخاطر کارهای خودمان نصیبمان می شود. (غفاری، ۱۳۸۵، ص ۴۷)

۳- ابتلاء در آیات و روایات

در قرآن کریم بسیاری از آیات پیرامون ابتلا صحبت شده که مصادیق آن را هم بیان کرده که از هم از طریق مال و نفس و ثروت و نعمت ها و دنیا و هم از طریق گرفتاری ها و مصائب و سختی ها و مرگ و فقر و بیماری شخص را مورد آزمایش قرار میدهند. از جمله آیه ای که می فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال ها و جان ها و میوه ها، آزمایش می کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان». (بقره، آیه ۱۵۵)

بخشی از آیات پیرامون نزول بلا به خاطر انجام اعمال وارد شده برای نمونه آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ فساد در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است؛ خدا می خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (به سوی حق) بازگردند». (روم، آیه ۴۱)

علاوه بر آیات قرآن روایات و احادیث وارد شده از سمت ائمه معصومین (ع) نیز به طور مشخص واضح برای ما مصادیق و آثار بلا را بیان کرده اند. امام صادق (ع) فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَاكَ وَ تَعَالَى لِيَتَعَاهدَ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ أَمَّا بِمَرَضٍ فِي جَسَدِهِ أَوْ بِمُصِيبَةٍ مِّنْ مَّصَائِبِ الدُّنْيَا لِيَاْجُرَّهَ عَلَيْهَا؛ خداوند متعال مومن را به مصیبت و بلاء گرفتار می کند و او را به بیماری در بدن مبتلا می سازد و یا در مصیبت اهل و فرزند قرار می دهد و یا یکی از مصیبت های دنیا را متوجه او می کند تا او را پاداش دهد». (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۲۳۷)

۴- انواع بلا

۴-۱- بلاء حُسن

عبادت به معنای اظهار ذلت، عالی ترین تذلل و کرنش در برابر خداوند است، و نیرومندترین و مهم ترین وسیله ای است که آدمی را به پروردگارش نزدیک می کند و باعث تکامل روح، تزکیه نفس و تعالی معنوی او می شود. (هاشم زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴)

در اهمیت آن، همین بس که آفرینش هستی و بعثت پیامبران (در عالم تکوین و تشریع) برای عبادت است. خداوند می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ هدف آفرینش هستی و جن و انس، عبادت خداوند است». (ذاریات، آیه ۵۶)

هم چنین کارنامه همه انبیاء و رسالت آنان دعوت مردم به پرستش خداوند بوده است. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اْعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ ما در هر امتی رسولی فرستادیم که خدای یکتا را بپرستید، و از طاغوت اجتناب کنید». (نحل، آیه ۳۶)

پس هدف از خلقت جهان و بعثت پیامبران، عبادت خدا بوده است. البته روشن است که خدای متعال، نیازی به عبادت ما ندارد. هم چنان که در مدرسه درس خواندن شاگردان به نفع خود آنان است و سودی برای معلم و مربی ندارد. اما این گونه چگونه می شود پروردگار به وسیله عبادت بند گانش را بیازماید؟ روشن است که چند بُعد عبادت می تواند باعث آزمایش و هویدا شد ماهیت انسان باشد.

برای افراد تنبل و تن پرور، که همیشه در پی ناز و نعمت، خوردن و خوابیدن، خوشی و لذت می باشند با عبادت، یک ماه روزه گرفتن، و گرسنگی کشیدن، به خصوص در روزهای بلند و گرمای تابستان، و بیدار شدن از خواب شیرین صبح در شب های کوتاه تابستان، یا ترک رختخواب نرم و گرم در هوای سرد بامدادهای سرد زمستان، برای انجام فریضه نماز صبح، و هم چنین برای افراد پول پرست و مادی که با سختی و زحمت ثروت و مالی را به دست می آورند با پرداخت خمس و زکات و انفاق های واجب و رفتن سفر حج و ابعادی از آن مورد امتحان الهی قرار می گیرند. (هاشم زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴) (پسندیده، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۲۸۸)

۴-۱-۲-مواهب خاص

مواهب خاص، یکی از انواع امتحان های الهی در رابطه با نعمت های خاص اوست، که خداوند گاهی در کنار مواهبش در کنار مواهبش، فرد و جامعه را مورد آزمون خاص قرار می دهد، و چون این نوع عنایت و موهبت با دید عین الیقین به انسان های مورد نظر داده می شود، مسئولیتش بسیار سنگین خواهد بود، و کم ترین مساحمه و غفلت موجب عذاب الهی خواهد شد. این حقیقت را خداوند در قرآن در رابطه با حواریین و تقاضای آن ها برای مائده آسمانی چنین بیان می کند.

خواب بیدار می شوند. آزمون بلاها و مصائب نیز چرخ های زندگی را از گردش باز می دارد و زنگ توقف را به صدا در می آورد و در حقیقت بسان ترمزی که بشر را از خواب غفلت که نتیجه زندگی شیرین است بیدار می سازد.

قرآن بلاها و مصائب را زنگ بیدارباش بشر می داند و در آیات گوناگونی به این حقیقت تصریح نموده است. «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّغُونَ؛ هیچ پیامبری را به نقطه ای اعزام نکردیم مگر مردم آن جا را به فقر و شدت دچار نمودیم تا زاری کنند و بیدار گردند». (اعراف، آیه ۹۴)

آری! هرگاه آدمی از این پیش آمدهای ناگوار و آزمون های الهی بهره هائی معنوی ببرد و براستی بیدار گردد در این هنگام قطع شدن موقت آهنگ فرم زندگی برای آن شخص، بالاترین لطف و احسان و نیکی خواهد بود. ولی اگر وی در برابر این عمل واکنش صحیح و درستی از خود نشان ندهد، و از خواب غفلت بیدار نگردد باید نام آن را بلا و مصیبت نهاد چه مصیبتی بالاتر از این که شخص از یک پدیده ای که می توانست او را از بدبختی و نابودی نجات بخشد به سود خویش استفاده نکند. (صالحی، ۱۳۸۱، ص ۲۲)

۵-۵- خالص کردن خوب از بد

«وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ؛ و تا خداوند، افراد با ایمان را خالص گرداند (و ورزیده شوند) و کافران را به تدریج نابود سازد». (آل عمران، آیه ۱۴۱)

در دنیا بد مطلق وجود ندارد. هیچ بدی نیست که یک نتیجه خوب نداشته باشد. یکی از چیزهایی که به حسب ظاهر به نظر می رسد بد است و در باطن خوب است آزمایش های الهی است. وقتی اجتماع آرام است یعنی یک امتحان بزرگی پیش نیامده است، انسان همه مردم را یک رنگ و مانند هم می بیند، همه شبیه همدیگرند.

انسان خیال می کند یک مردم یکدست وجود دارد و حتی بعضی از افراد خیلی بهتر از دیگران جلوه می کنند و انسان آن ها را بهتر تشخیص می دهد تا این که یک حادثه تندی و به تعبیر قرآن یک امتحانی پیش می آید. یک وقت انسان می بیند که گویی مردم غربال می شوند. مثل غربال که ریز و درشت می کند، ریزها به یک طرف می روند درشت ها به یک طرف، مردم غربال می شوند، یک عده یک طرف قرار می گیرند و یک عده طرف دیگر. به اصطلاح امروز صف ها از همدیگر جدا می شود. از یک نظر خیلی اسباب تاسف است. انسان یک وقت می بیند افرادی

که هیچ از آن ها انتظار نداشت چغاله از آب در آمدند. ولی از نظر افراد دقیق و باریک بین باید گفت خوب شد که صف ها از همدیگر جدا شد.

امیرالمومنین(ع) در یکی از خطبه های نهج البلاغه می فرماید: «لَتُبْلَيْنَّ بَلْبَلَةً، وَ لَتُغْرَبَنَّ غَرْبَةً، وَ لَتَسَاطَنَّ سَوَاطِ الْقَدَرِ، حَتَّى يَعُودَ اسْفَلَکُمْ اَعْلَاکُمْ وَ اَعْلَاکُمْ اسْفَلَکُمْ؛ یعنی شدایدی برای شما پیش خواهد آمد و شما مانند دانه هایی که در غربال ریخته باشند و غربال آن ها را تکان بدهد به طوری که از همدیگر جدا بشوند غربال خواهید شد، و مانند دیگ جوشانی خواهید شد که در اثر حرارت دادن زیاد به آن چه در گوشت و نخود و لوبیا بریزید هرکدام در جایی قرار می گیرند و تنها چیزی که می بینید در رو قرار گرفته، مثلاً فلفل و زردچوبه است که روی آب را گرفته. ولی وقتی که به این دیگ حرارت دادید به حدی که محتوای آن به جوش آمد آن وقت می بینید آن چه در این دیگ است بالا و پایین می رود، پایین ها بالا می آیند، بالاها پایین می روند. خیلی تشبیه خوبی است امیرالمومنین علی (ع) می فرماید: در تکان های شدید و شدایدی که در میان مردم رخ می دهد و در امتحاناتی که پیش می آید مردم مثل دانه هایی که در غربال، غربال بشوند غربال می شوند.(نهج البلاغه)

غرض این جهت است که یکی از فواید مبارزات و تضادهای شدید و جنگ حق و باطلی که در اجتماع پیش می آید این است که صفوف مشخص و جدا بشوند آن وقت اهل حق و بصیرت تکلیف خودشان را بهتر می فهمند.(مطهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۵۱)

نتیجه گیری

ابتلاء یا بلاء و امتحانات از سنت های الهی است که قابل تغییر است یعنی برای هر فرد با توجه به شرایط خاص خودش نوع و اثر متفاوتی دارد در آیات و روایات بسیاری پیرامون ابتلاء صحبت شده و برای آن ابزاری قرار داده که به وسیله آن ها فرد امتحان می شود گاهی با نعمت مثل عبادت، اموال، فرزند قدرت و مقام و گاهی با نعمت چون بیماری، فقر، سختی است. برای هر فرد امتحان و آزمایش وی اثرات خاص خودش را دارد و یا برای ترفیع درجه و مقام است که این شامل ائمه و پیامبران می شده یا اثر تنبیهی دارد برای شخص خطاکار یا برای سنجش صبر و ایمان مومن یا برای خالص کردن قلب مومن از بدی ها می باشد. باید سطح آگاهی افراد جامعه در همه زمینه ها به خصوص اعتقادات بالا رفته تا درک درستی از بلایا داشته باشند که هم خود و هم دیگران سربلند از امتحان بیرون آیند.

منابع و مآخذ

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

الف : کتب فارسی

- ۱- پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، ج ۵، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، بی جا، ۱۳۸۶.
- ۲- جوادی عاملی، تفسیر تسنیم، ج ۴، قم، نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۳- حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، ج ۴، تهران، موسسه فرهنگی آرایه، بی جا، ۱۳۸۵.
- ۴- سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۱، بی جا، انتشارات امام صادق (ع)، ۱۳۸۳.
- ۵- صالحی، ابراهیم، پژوهش پیرامون جمع میان علم و امتحان الهی در قرآن کریم، قم، کتاب مبین، بی جا، ۱۳۸۱.
- ۶- عمید، حسن، فرهنگ نامه، بی جا، نشر اشجع، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۷- غفاری، ابوالحسن، سنت امتحان در زندگی، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، بی جا، ۱۳۸۵.
- ۸- فرحزاد، حبیب الله، سمت خدا، قم، نشر عطش، بی جا، ۱۳۹۳.
- ۹- قلعه نوش، کاکاوند، ۳۲۸۹ یادآوری، ملایر، نشر کبریا، بی جا، ۱۳۹۵.
- ۱۰- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، ج ۳، تهران، نشر صدرا، ۱۳۷۶.
- ۱۱- -----، -----، عدل الهی، تهران، نشر صدرا، ۱۳۷۶.
- ۱۲- محدثی، جواد، امتحان، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، بی جا، ۱۳۹۲.
- ۱۳- هاشم زاده، سید محمد رضا، فلسفه امتحان های الهی، اصفهان، نقش نگین، بی جا، ۱۳۸۹.

ب : کتب عربی

- ۱۴- ابن فارس، احمد بن فارس، هارون، عبدالسلام، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، قم، مکتب الاعلام الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق

۱۵- راغب اصفهانی، مفردات، ج ۱، تهران، کتابفروشی مرتضوی، بی‌چا، ۱۳۶۳.

۱۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بی‌چا، ناصر خسرو، چاپ هشتم، ۱۳۸۴

۱۷- علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱-۶۴، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، بی‌چا، ۱۴۰۳ق.

۱۸- قمی، عباس، مفاتیح الجنان، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، بی‌چا، ۱۳۶۹

ج : مقالات

۱۹- عرب، لیلا، ابتلاء الهی غربالگری بندگان، بی‌چا، دوازدهمین جشنواره دستاوردهای پژوهشی (بانوی کرامت)، بی‌چا، ۱۳۹۲.